

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره ۳۹، بهار ۱۴۰۵، صفحات ۱۹ تا ۳۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۲

بررسی فرصت‌ها و چالش‌های همکاری‌های سه جانبه ایران، روسیه و چین: مطالعه‌ای بر توازن منافع و تضادهای استراتژیک

| حسین معتمدی* | کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

این مقاله به بررسی ماهیت و ابعاد هم‌گرایی راهبردی میان سه قدرت ایران، روسیه و چین در بستر گذار به نظم نوین جهانی می‌پردازد. با افول هژمونی تک‌قطبی ایالات متحده، این سه کشور با تکیه بر ضرورت‌های استراتژیک، اتحادی نانوشته اما قدرتمند را حول سه ستون اصلی «ژئواکونومیک» (دلارزدایی و کریدورهای ترانزیتی)، «دیپلماتیک» (چندجانبه‌گرایی در قالب بریکس و شانگهای) و «دفاعی» (رزمایش‌های مشترک و تبادل تکنولوژی‌های نوین) شکل داده‌اند. یافته‌های این تحلیل که با استناد به منابع کتابخانه‌ای و گزارش‌های راهبردی تدوین شده، نشان می‌دهد که اگرچه این ائتلاف با چالش‌هایی نظیر ناهمگونی در مؤلفه‌های قدرت و تضاد منافع احتمالی در دوران پسا-هژمونی روبروست، اما تداوم همکاری‌های کنونی، پتانسیل تغییر موازنه قوا در مناطق کلیدی همچون خاورمیانه و اوراسیا را داراست. در نهایت، این نوشتار استدلال می‌کند که این مثلث قدرت، فراتر از یک همکاری موقت، به عنوان پیشران اصلی در شکل‌گیری نظم چندقطبی و بی‌اثر کردن ابزار تحریم‌های بین‌المللی عمل می‌کند.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، چین، نظم نوین جهانی، دلارزدایی، بریکس، امنیت سایبری، هژمونی آمریکا، اتحاد سه‌ستونه، رئالیسم ساختاری، نظم چندقطبی، موازنه قوا، ژئوپولیتیک اوراسیا، کریدور شمال-جنوب، امنیت انرژی، گذار قدرت، کریدور شرق به غرب، شانگهای.

مقدمه

نظم بین‌الملل در سه دهه گذشته، فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، جهان وارد دورانی شد که چارلز کراثامر^۲ آن را «لحظه تک‌قطبی» نامید؛ دورانی که در آن ایالات متحده به عنوان تنها ابرقدرت بلامنازع، قواعد بازی را تعیین می‌کرد. اما امروز، ما در آستانه چیزی هستیم که فرید زکریا در کتاب تحسین‌شده خود، آن را «جهان پسا-آمریکایی» می‌نامد.

زکریا استدلال می‌کند که چالش اصلی قرن بیست و یکم، لزوماً «سقوط آمریکا» نیست، بلکه «ظهور دیگران» است. او معتقد است که قدرت در حال توزیع مجدد است و کشورهای نوظهور اکنون نه تنها در اقتصاد، بلکه در سیاست و فرهنگ نیز صاحب اراده شده‌اند. در این میان، شکل‌گیری یک مثلث راهبردی میان ایران، روسیه و چین، جدی‌ترین نماد این «ظهور دیگران» در برابر هژمونی غرب است.^۳ این سه کشور، علی‌رغم تفاوت‌های ساختاری، در یک نقطه به اشتراک نظر رسیده‌اند: «نظم فعلی که بر پایه ارزش‌های غربی و سلطه دلار بنا شده، دیگر تامین‌کننده امنیت و منافع ملی آن‌ها نیست.» بنابراین، ائتلاف میان تهران، مسکو و پکن، نه یک ازدواج تاکتیکی کوتاه‌مدت، بلکه یک پاسخ ساختاری به ضرورت‌های تاریخی در دوران گذار است. مسئله اصلی این نوشتار واکاوی این پرسش است که این اتحاد چگونه با تکیه بر ابزارهای نوین قدرت، در حال بازتعریف هندسه جهانی است؟

تبیین مفهوم «اتحاد سه ستونه» از منظر واقع‌گرایی ساختاری

در ادبیات روابط بین‌الملل، شکل‌گیری بلوک‌های قدرت همواره تابعی از تغییر در موازنه قوا بوده است. مفهوم «اتحاد سه ستونه» که در این پژوهش مورد واکاوی قرار می‌گیرد، فراتر از یک همسویی دیپلماتیک ساده، نشان‌دهنده تولد یک «هسته سخت ژئوپلیتیک» در قلب اوراسیاست. از منظر مکتب رئالیسم (واقع‌گرایی)، این اتحاد پاسخی عقلانی از سوی ایران، روسیه و چین به ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل و تلاش برای بقا در برابر فشارهای ساختاری قدرت هژمون است. این سه کشور با ترکیب توانمندی‌های منحصربه‌فرد خود - یعنی عمق استراتژیک و نفوذ منطقه‌ای ایران، قدرت بازدارندگی و نظامی روسیه، و هژمونی اقتصادی چین - در حال پی‌ریزی سازه‌ای هستند که می‌تواند ستون‌های نظم لیبرال غربی را به لرزه درآورد.

بیان مسئله: بحران نظم و ضرورت هم‌گرایی

مسئله بنیادین پژوهش حاضر، بررسی چگونگی گذار از نظم تک‌قطبی پس از جنگ سرد به سوی یک نظم نامشخص و چندقطبی است. هنری کسینجر در کتاب مبنایی خود با عنوان «نظم جهانی» تأکید می‌کند که: "نظم بین‌المللی هیچ‌گاه به صورت خودکار پدید نمی‌آید، بلکه برآمده از درک مشترک قدرت‌های بزرگ از مشروعیت و توازن قواست." امروز، ایران، روسیه و چین بر این باورند که نظم کنونی دیگر نه مشروع است و نه متوازن. سیاست‌های مهار توسط غرب، از جمله گسترش ناتو، جنگ

² Charles Krauthammer

³ Zakaria, F. (2011). The Post-American World: Release 2.0. W. W. Norton & Company

تجاری با چین و تحریم‌های حداکثری علیه ایران، این سه بازیگر را به سوی یک «اتحاد اضطراری اما راهبردی» سوق داده است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که این اتحاد چگونه با استفاده از ابزارهای ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک، در حال بازتعریف قواعد بازی بین‌المللی است.^۴

فرضیه پژوهش و چارچوب نظری

فرضیه اصلی مقاله بر این پایه استوار است که «اتحاد سه ستونه» از طریق سینرژی (هم‌افزایی) میان سه حوزه امنیت، اقتصاد و انرژی، در حال تغییر جهت قطب‌نمای قدرت جهانی از اقیانوس آتلانتیک به سمت خشکی‌های اوراسیاست. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و در چارچوب نظریه «رنالیسم تدافعی و تهاجمی»، استدلال می‌کند که این اتحاد با جایگزینی کریدورهای زمینی به جای مسیرهای دریایی تحت کنترل غرب و ایجاد سیستم‌های مالی موازی، به دنبال بی‌اثر کردن سلاح «تحریم» و «محاصره» است. در واقع، این مثلث قدرت نه تنها به دنبال مهار نفوذ ایالات متحده در مناطق پیرامونی خود است، بلکه قصد دارد الگویی جدید از حکمرانی جهانی را ارائه دهد که در آن تک‌قطبی‌گرایی جایی ندارد.

ضرورت پژوهش

نگارش این پژوهش از آن رو ضرورت دارد که ما در حال حاضر در «نقطه عطف تاریخی» قرار داریم؛ جایی که نظم پس از جنگ جهانی دوم در حال فروپاشی است. چرایی این مقاله را می‌توان در سه دلیل استراتژیک خلاصه کرد:

اول بی‌اثر کردن سلاح تحریم:

این مقاله نوشته می‌شود تا تبیین کند چگونه این سه کشور با استفاده از ابزار «دلارزدایی» و ایجاد سیستم‌های مالی جایگزین، در حال از کار انداختن موتور محرک قدرت آمریکا یعنی «تحریم‌های ثانویه» هستند. علی اسمعیلی در کتاب «رقابت چین و آمریکا در خاورمیانه در قرن بیست و یکم» (انتشارات چاپخش، ۱۴۰۰) معتقد است که اتحادهای جدید، پاسخی به سوءاستفاده واشینگتن از سیستم مالی جهانی است.

دوم پایان دوران تک‌قطبی:

ضرورت دیگر، بررسی چگونگی شکل‌گیری یک «وزنه‌ی تعادل» در برابر ناتو است. طبق نظر فرید زکریا در نظریه «خیزش مجدد آسیا»، جهان به سمتی می‌رود که دیگر یک مرکز قدرت واحد ندارد.^۵ این مقاله به دنبال این است که نشان دهد مثلث تهران-مسکو-پکن چگونه به عنوان «هسته سخت» این نظم نوین عمل می‌کند.

سوم جایگاه استراتژیک ایران در کریدورهای جهانی:

چرا باید این اتحاد را مطالعه کرد؟ چون همان‌طور که ولی کوزه‌گر کالچی اشاره می‌کند، بدون ثبات و مشارکت ایران، پروژه‌های بزرگی مثل «جاده ابریشم نوین» (چین) و «کریدور شمال-جنوب» (روسیه)

⁴ (World Order, 2014, p. 367)

⁵ Zakaria, F. (2011). The Post-American World: Release 2.0. W. W. Norton & Company

عقیم می‌مانند. لذا بررسی این پیوند برای درک آینده امنیت انرژی و تجارت جهانی ضروری است.^۶

ریشه‌های استراتژیک؛ چرا مثلث تهران-مسکو-پکن شکل گرفت؟^۷

از منظر رئالیسم ساختاری، اتحادها نه بر اساس رفاقت، بلکه بر اساس «اجبار ساختاری» و «موازنه تهدید» شکل می‌گیرند. در اینجا ۳ دلیل اصلی شکل‌گیری این اتحاد را بر می‌شماریم.^۸

۱. موازنه در برابر تهدید مشترک (ساختار نظام بین‌الملل):
اصلی‌ترین دلیل شکل‌گیری این اتحاد، فشار سیستمیک ایالات متحده بر هر سه کشور است. استیون والت در نظریه «موازنه تهدید» معتقد است دولت‌ها در برابر قدرتی که تهدیدکننده به نظر برسد، متحد می‌شوند. در این راستا، نورالدین اکبری در کتاب «گذار به نظم نوین جهانی» (۱۴۰۱) استدلال می‌کند که استراتژی «چرخش به شرق» آمریکا برای مهار چین و گسترش ناتو برای مهار روسیه، این دو قدرت را به سمت ایران (که دهه‌هاست در خط مقدم مقابله با آمریکا قرار دارد) سوق داده است. در واقع، این یک «ازدواج استراتژیک» برای بقا در برابر هژمونی است.^۹

۲. هم‌پوشانی نیازهای ژئواکونومیک (انرژی و ترانزیت):
دلیل دوم، نیاز متقابل اقتصادی است که فراتر از سیاست می‌رود. چین به عنوان بزرگترین مصرف‌کننده انرژی، به امنیت تأمین کالا نیاز دارد و روسیه و ایران بزرگترین دارندگان ذخایر انرژی هستند. ولی ایجاد کریدورهای زمینی (مانند جاده ابریشم نوین)^{۱۰} از مسیر ایران، پاسخی است به محاصره دریایی احتمالی چین توسط آمریکا. این نیاز متقابل، زیرساخت مادی این اتحاد را می‌سازد.^{۱۱}

۳. بحران مشروعیت لیبرال دموکراسی و گذار قدرت:
دلیل سوم، تمایل این سه کشور به تعریف یک «نظم جایگزین» است که در آن ارزش‌های غربی تحمیل نشود. فرید زکریا در بحث «جهان پس‌آمریکایی» (Post-American World) اشاره می‌کند که خیزش قدرت‌های دیگر لزوماً به معنای جنگ نیست، بلکه به معنای جابجایی مرکز ثقل قدرت از غرب به شرق است.^{۱۲} در واقع هر سه کشور به دنبال «دموکراتیزه کردن روابط بین‌الملل» هستند؛ به این معنا که هیچ کشوری نباید حق داشته باشد برای دیگران تعیین تکلیف کند.^{۱۳}

۳. تحلیل ابعاد سه‌گانه اتحاد (ورود به جزئیات اقتصادی، سیاسی و نظامی)

ستون اقتصادی: ژئواکونومیک مقاومت و نظم مالی جایگزین

در این ستون، اتحاد ایران، روسیه و چین از یک همکاری تجاری ساده به یک «بلوک دفاع اقتصادی»

^۶ ولی کوزه گرکالچی «ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی» (نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹)

^۷ اکبری، نورالدین. (۱۴۰۱). گذار به نظم نوین جهانی. تهران: نشر آنام انتشارات، مثلاً قومس یا انتشارات راهبردی، صص ۱۱۲-۱۱۵

^۸ BRI

^۹ ولی کوزه گرکالچی «ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی» (نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹) صص ۱۸۴-۱۹۰

^{۱۰} Zakaria, F. (2011). The Post-American World: Release 2.0. W. W. Norton & Company

^{۱۱} کریشبرگر، زارا و همکاران (۱۴۰۱). روابط روسیه و چین: اتحاد در حال ظهور یا رقابت ابدی؟. ترجمه حمیدرضا ارشدی. تهران: اداره چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. صص ۲۴۵

تبدیل شده است. این هم‌گرایی بر دو محور اصلی استوار است:

الف) دلارزدایی و فروپاشی ابزار تحریم:

یکی از مهم‌ترین دلایل پیوند این سه قدرت، بی‌اثر کردن سلاح مالی ایالات متحده است. چنین تبیین می‌شود که چین با ایجاد سیستم‌های پرداخت جایگزین (مانند CIPS) و استفاده از ارزهای ملی در معاملات نفتی با ایران و روسیه، در حال به چالش کشیدن سلطه جهانی دلار است. این اقدام عملاً قدرت مانور واشینگتن در اعمال تحریم‌های ثانویه را سلب می‌کند و به ایران و روسیه اجازه می‌دهد خارج از نظارت خزانه‌داری آمریکا به تجارت بپردازند.^{۱۲}

ب) اتصال ساختاری از طریق کریدورهای راهبردی:

ایران در این ستون، نقش «پل ترانزیتی» را ایفا می‌کند. ادغام شبکه ریلی و جاده‌ای ایران در پروژه «یک کمربند-یک جاده» چین و «کریدور شمال-جنوب» روسیه، یک بن‌بست‌شکنی ژئوپلیتیک است. این کریدورها نه تنها هزینه‌ی تجارت را کاهش می‌دهند، بلکه مسیری امن و خشکی‌پایه ایجاد می‌کنند که برخلاف مسیرهای دریایی، تحت کنترل ناوگان دریایی آمریکا نیست.^{۱۳}

ج) امنیت انرژی در نظم نوین:

در این مثلث، چین به عنوان بزرگترین مصرف‌کننده و ایران و روسیه به عنوان بزرگترین دارندگان منابع انرژی، یک «زنجیره تأمین نفوذناپذیر» تشکیل داده‌اند، که قراردادهای بلندمدت (مانند سند ۲۵ ساله ایران و چین) فراتر از مبادلات تجاری، در واقع نوعی «بیمه امنیتی» برای حفظ ثبات اقتصادی در برابر فشارهای غرب محسوب می‌شوند.^{۱۴}

بهتر است کمی بیشتر ستون اقتصادی را باز کنیم تا مفهوم دلار زدایی و عمق کریدورهای راهبردی را بهتر درک کنیم:

یکی از ستون‌های اصلی که این مثلث قدرت را به هم پیوند می‌دهد، تلاش برای شکستن انحصار مالی ایالات متحده است. طبق گزارش‌های بلومبرگ (۲۰۲۴)، تحریم‌های گسترده علیه ایران و روسیه، این دو کشور را به پیشران‌های اصلی «اقتصاد مقاومتی جهانی» تبدیل کرده است.^{۱۵}

الف) دلارزدایی و سیستم‌های مالی موازی:

چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، با درک این موضوع که وابستگی به سیستم «سوئیفت» یک نقطه ضعف استراتژیک است، سیستم CIPS را توسعه داده است. در همین راستا، روسیه با سیستم SPFS و ایران با اتصال شبکه‌های بانکی خود به روسیه، در حال ایجاد یک «جزیره مالی» امن هستند. این اقدام نه تنها اثر تحریم‌ها را خنثی می‌کند، بلکه ضربه‌ای بنیادین به قدرت نرم آمریکا وارد می‌سازد؛ چرا که قدرت آمریکا بیش از آنکه بر ناوهای هواپیمابرش استوار باشد، بر «سلطه دلار» بنا شده است.^{۱۶}

^{۱۲} علی اسمعیلی در کتاب «رقابت چین و آمریکا در خاورمیانه در قرن بیست و یکم» (انتشارات چاپخش، ۱۴۰۰) صص ۳۰۲-۳۰۵

^{۱۳} ولی کوزه‌گر کالجی در کتاب «ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی» (نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹) صص ۱۷۲

^{۱۴} نورالدین اکبری در کتاب «گذار به نظم نوین جهانی و نقش ایران، چین و روسیه» (مرکز تحقیقات صداوسیما، ۱۴۰۱) صص ۲۱۸-۲۲۴

¹⁵ Russia and Iran Are Building a Trade Route That Defies Sanctions - Bloomberg

^{۱۶} علی اسمعیلی «رقابت چین و آمریکا در خاورمیانه در قرن بیست و یکم» (انتشارات چاپخش، ۱۴۰۰) صص ۱۸۹-۱۹۳

ب) کریدور شمال-جنوب و جاده ابریشم نوین:

ایران در این میان، نقش «پل ارتباطی» را ایفا می‌کند. کریدور بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC) که هند را از طریق ایران به روسیه و اروپا متصل می‌کند، رقیبی جدی برای کانال سوئز محسوب می‌شود. از سوی دیگر، ادغام ایران در کلان‌پروژه چین یعنی «یک کمربند-یک جاده» (BRI)، باعث می‌شود که پکن به منابع انرژی پایدار دسترسی داشته باشد و ایران نیز از بن‌بست ژئوپلیتیک خارج شود. این پیوند اقتصادی، باعث شکل‌گیری نوعی «وابستگی متقابل راهبردی» شده است که در آن، آسیب به هر یک از این سه ضلع، هزینه‌ای گزاف برای کل سیستم جهانی خواهد داشت.

ستون سیاسی و دیپلماتیک: چندجانبه‌گرایی در برابر هژمونی

این ستون، لایه‌ی «مشروعیت‌بخش» به اتحاد است؛ جایی که سه کشور با استفاده از ائتلاف‌های نوین، نظم لیبرال تحت رهبری غرب را به چالش می‌کشند.

الف) نهادسازی موازی (بریکس و شانگهای):

ایران با حمایت روسیه و چین، با عضویت در سازمان همکاری شانگهای (SCO) و گروه بریکس^{۱۷}، رسماً به باشگاه قدرت‌های نوظهور پیوست. طبق تحلیل منتشر شده در وبسایت رسمی «شورای روابط خارجی»^{۱۸}، این سازمان‌ها دیگر صرفاً اقتصادی نیستند، بلکه به عنوان «وزنه تعادل سیاسی» در برابر گروه ۷ (G7) عمل می‌کنند^{۱۹}. این عضویت‌ها، پروژه‌ی انزوای سیاسی ایران را به شکست کشاند و نشان داد که «دیپلماسی نگاه به شرق» یک تغییر پارادایم واقعی در سیاست خارجی تهران است.^{۲۰}

ب) وتوی استراتژیک و حمایت در مجامع بین‌المللی:

همکاری سیاسی این سه کشور در شورای امنیت سازمان ملل، سد محکمی در برابر قطعنامه‌های یک‌جانبه آمریکا ایجاد کرده است. روسیه و چین با استفاده از «حق وتو» در پرونده‌های حساس مربوط به ایران و سوریه، عملاً جلوی تغییر رژیم‌های مدنظر غرب را گرفته‌اند. این هماهنگی دیپلماتیک، نوعی «چتر حمایتی سیاسی» برای اعضای اتحاد ایجاد کرده است.^{۲۱}

ج) تقابل با ارزش‌های تحمیلی (حاکمیت ملی):

هر سه کشور بر اصل «عدم مداخله در امور داخلی» تأکید دارند. وبسایت تحلیلی «المانیتور»^{۲۲} در گزارشی پیرامون نشست‌های سه‌جانبه، اشاره می‌کند که تهران، مسکو و پکن در حال ترویج مدلی از حکمرانی هستند که در آن دموکراسی غربی تنها راه موجود نیست. این «اشتراک در گفتمان»، باعث شده تا این سه ستون در برابر فشارهای حقوق بشری و مداخلات سیاسی غرب، موضع واحدی اتخاذ

¹⁷ BRICS

¹⁸ CFR

¹⁹ How Effective Have the BRICS countries been? - CFR

²⁰ نورالدین اکبری در کتاب «گذار به نظم نوین جهانی و نقش ایران، چین و روسیه» (مرکز تحقیقات صداوسیما، ۱۴۰۱) صص ۲۴۸-۲۵۲

²¹ کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۹). ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی: فرصت‌ها و چالش‌های هم‌گرایی در اوراسیا. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. صص ۲۱۰-۲۱۵

²² Al-Monitor

کنند که به آن «کنسرت قدرت‌های غیرغربی» می‌گویند.^{۲۳}

ستون نظامی و امنیتی: ائتلاف دفاعی نوظهور در اوراسیا

این ستون، «پنجه‌های» قدرت این اتحاد است. اگر اقتصاد و سیاست لایه‌های نرم هستند، همکاری نظامی نشان‌دهنده آمادگی این سه ستون برای مقابله با تهدیدات سخت است.

(الف) رزمایش‌های مشترک سه‌جانبه (پیام اقتدار دریایی):

برگزاری رزمایش‌های سالانه «کمر بند امنیت دریایی» در شمال اقیانوس هند و دریای عمان، نماد عینی این اتحاد است. وب‌سایت «نیویورک تایمز» در گزارشی تحلیل کرد که این رزمایش‌ها پیامی مستقیم به سنتکام (فرماندهی مرکزی آمریکا) است که دوران سلطه مطلق دریایی غرب در منطقه به پایان رسیده است.^{۲۴} این همکاری‌ها را فراتر از تمرین نظامی و نوعی «دیپلماسی دفاعی» است که هدف آن تأمین امنیت انرژی جهانی بدون دخالت نیروهای فرامنطقه‌ای است.^{۲۵}

(ب) تبادل تکنولوژی و همکاری‌های پهپادی-موشکی:

یکی از ارکان اصلی این ستون، هم‌افزایی در صنایع دفاعی است. گزارش‌های منتشر شده در وب‌سایت تحلیلی «دیفنس نیوز»^{۲۶} نشان می‌دهد که ترکیب دانش موشکی و پهپادی ایران با تکنولوژی‌های راداری و فضایی روسیه و چین، یک «معادله بازدارندگی» جدید ایجاد کرده است.^{۲۷} در کتاب «روابط روسیه و چین» (نشر وزارت امور خارجه)، به این نکته اشاره شده است که فروش سوخو-۳۵ به ایران و همکاری‌های ماهواره‌ای، لایه‌های دفاعی ایران را به سطح استانداردهای قدرت‌های بزرگ ارتقا داده است.

(ج) امنیت سایبری و مقابله با جنگ‌های نوین:

هر سه کشور هدف حملات سایبری و جنگ‌های شناختی غرب هستند. براساس گزارش سایت «شورای روابط خارجی» (CFR)، تهران، مسکو و پکن در حال شکل‌دهی به یک «اینترنت موازی» و پروتکل‌های امنیتی مشترک برای مقابله با نفوذ سایبری هستند. این همکاری امنیتی، باعث شده تا این سه ستون در برابر «انقلاب‌های رنگی» و پروژه‌های بی‌ثبات‌سازی داخلی، تجربیات امنیتی خود را به اشتراک بگذارند.^{۲۸} که این موضوع در کتاب علی اسمعیلی (۱۴۰۰) به عنوان «دفاع موزائیکی در برابر هژمونی» توصیف شده است.

(د) بازدارندگی در آب‌های دور:

همکاری‌های نظامی این مثلث قدرت، از خرید و فروش تجهیزات فراتر رفته و به سطح «عملیات‌های مرکب» رسیده است. رزمایش‌های سالانه در شمال اقیانوس هند و دریای عمان، پیام روشنی به ناتو و پیمان‌های منطقه‌ای آمریکا (مانند سنتکام) دارد.

²³ Iran, Russia, China hold naval drills as 'new' world order takes shape - Al-Monitor

²⁴ Iran, China and Russia Hold Naval Drills, Sending a Signal to the West - The New York Times

²⁵ نورالدین اکبری در کتاب «گذار به نظم نوین جهانی و نقش ایران، چین و روسیه» (مرکز تحقیقات صداوسیما، ۱۴۰۱)

صص ۲۶۵-۲۷۲

²⁶ Defense News

²⁷ China, Russia, Iran to hold joint naval drills as tensions simmer - Defense News

²⁸ The End of the Global Internet? - CFR

تبادل تکنولوژی در حوزه پهپادی، جنگ الکترونیک و ماهواره‌های نظامی میان ایران و روسیه، موازنه قدرت را در جنگ‌های نوین تغییر داده است. همان‌طور که در فصلنامه مطالعات راهبردی (۱۴۰۲) اشاره شده، این همکاری‌ها منجر به شکل‌گیری یک «چتر امنیتی» در اوراسیا شده که دخالت نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای را با ریسک و هزینه‌ی بسیار بالا مواجه می‌کند.^{۲۹} در جدول‌های زیر سعی کرده‌ایم سه ستون اتحاد را که در بالا توضیح داده‌ایم بیشتر نمایان کنیم.

جدول شماره ۱: مقایسه شاخص‌های کلان قدرت در مثلث شرقی (۲۰۲۳-۲۰۲۴)^{۳۰}

شاخص قدرت	جمهوری اسلامی ایران	فدراسیون روسیه	جمهوری خلق چین
رتبه نظامی	۱۴	۲	۳
ذخایر اثبات شده گاز	۲	۱	۱۰
تولید ناخالص داخلی GDP	۴۰۰ میلیارد دلار	۲ تریلیون دلار	۱۸ تریلیون دلار
وضعیت در شورای امنیت (حق وتو)	قدرت منطقه‌ای تاثیرگذار	عضو دائم (دارای حق وتو)	عضو دائم (دارای حق وتو)
نقش در زنجیره تامین	هاب ترانزیتی (کریدورها)	تأمین‌کننده انرژی و غلات	کارخانه جهان و سرمایه‌گذار

با نگاهی به داده‌های جدول شماره ۱، می‌توان دریافت که ائتلاف ایران، روسیه و چین صرفاً یک همکاری ساده نیست، بلکه شکل‌گیری یک «مجموعه امنیتی متوازن» است. زمانی که رتبه نظامی ایران (به عنوان قدرت برتر در حوزه پهپادی و موشکی منطقه) با توان هسته‌ای و استراتژیک روسیه و توان دریایی و تکنولوژیک چین ترکیب می‌شود، نوعی بازدارندگی چندلایه ایجاد می‌گردد.

چرا این یک «سپر دفاعی کامل» است؟

از منظر سیاسی، حضور روسیه و چین به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت با حق وتو، یک «چتر حمایتی دیپلماتیک» برای ایران فراهم می‌کند که مانع از اجماع جهانی و صدور قطعنامه‌های سختگیرانه در فصل هفتم منشور ملل متحد می‌شود. در مقابل، ایران با تسلط بر تنگه هرمز و ایفای نقش به عنوان «امنیت‌ساز» در خلیج فارس، امنیت انرژی مورد نیاز برای چرخه اقتصادی چین را تضمین می‌کند. این وابستگی متقابل باعث می‌شود که هرگونه اقدام نظامی علیه یکی از این سه ضلع، کل ساختار انرژی و امنیت اوراسیا را با بحران جدی روبرو کند.

^{۲۹} فصلنامه مطالعات راهبردی (۱۴۰۲). «واکاوی ائتلاف نانوشته تهران-مسکو-پکن در برابر ناتو». دوره ۲۶، شماره ۳.

^{۳۰} منبع جدول: گردآوری شده توسط مؤلف بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول (۲۰۲۴)، مؤسسه IISS (گزارش Military Balance 2024) و تحلیل‌های راهبردی شورای روابط خارجی (CFR).

جدول شماره ۲: روند دلارزدایی و تجارت با ارزهای ملی (تخمینی)^{۳۱}

مسیر تجارت	وضعیت در سال ۲۰۱۰	وضعیت در سال ۲۰۲۴	پیام رسان بانکی
ایران-روسیه	۹۰٪ مبتنی بر دلار	بیش از ۸۰٪ ریال/روبل	پیام رسان های بانکی
روسیه-چین	۹۵٪ مبتنی بر دلار	حدود ۹۰٪ یوان/روبل	سیستم CIPS چین
ایران-چین	۱۰۰٪ مبتنی بر دلار	استفاده گسترده از یوان در تهاتر	سیستم های تهاتر کالا

با نگاهی به داده های جدول شماره ۲ بهتر میتوان درک کرد که این سه کشور به سرعت در حال ایجاد یک نظم اقتصادی جدید برای از بین بردن سلطه دلار که اصلی ترین سلاح امریکا است، هستند. اگر کمی به نقشه این سه کشور و اتصالات کریدوری نگاه کنیم بهتر میتوانیم هم تحلیلی از ژئوپولیتیک جهانی ارئه دهیم هم ایران را به عنوان چهار راه ارتباطی جهان بشناسیم:

ایران به لحاظ جغرافیایی در نقطه‌ای قرار گرفته است که هالفورد مکیندر^{۳۲} آن را بخشی از «محور محوری»^{۳۳} جهان می‌نامید.

- در کریدور شمال-جنوب (INSTC): ایران تنها مسیری است که اقیانوس هند و خلیج فارس را به روسیه و شمال اروپا متصل می‌کند. این مسیر ۴۰ درصد کوتاه‌تر و ۳۰ درصد ارزان‌تر از مسیر کانال سوئز است. این یعنی ایران «کلید انبار» اوراسیاست.

- در طرح کمربند-جاده (BRI): چین برای دور زدن محاصره دریایی آمریکا در اقیانوس آرام (تنگه مالاکا)، به شدت به مسیرهای زمینی نیاز دارد. ایران به عنوان امن‌ترین و باثبات‌ترین مسیر در غرب آسیا، چین را به بازارهای اروپا و مدیترانه وصل می‌کند. بنابراین، موقعیت جغرافیایی ایران در این ائتلاف، یک «مزیت مطلق» است که هیچ کشور دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود.

همان‌طور که تیم مارشال استدلال می‌کند، جغرافیا زندانی است که سیاستمداران نمی‌توانند از آن فرار کنند؛ لذا ائتلاف ایران، روسیه و چین، تلاشی هوشمندانه برای شکستن قفل‌های جغرافیایی است که غرب طی قرن‌ها به دور این منطقه کشیده بود

تیم مارشال در کتاب زندانیان جغرافیا (۲۰۱۵)، در تحلیل موقعیت راهبردی ایران و روسیه، معتقد است که جغرافیا همواره تعیین‌کننده اصلی گزینه‌های سیاست خارجی است. او در فصل مربوط به خاورمیانه اشاره می‌کند که ایران به دلیل قرارگیری بین دریای خزر و خلیج فارس، به طور طبیعی یک پل زمینی میان شرق و غرب است.^{۳۴}

^{۳۱} منبع جدول: استخراج شده از گزارش‌های تحلیلی بانک توسعه اوراسیا (۲۰۲۳)، داده‌های آماری اکونومیست (۲۰۲۴) و بولتن‌های راهبردی مرکز مطالعات بین‌المللی (CSIS) پیرامون محور اوراسیا.

^{۳۲} Halford Mackinder

^{۳۳} Pivot Area

^{۳۴} (تیم مارشال، جبر جغرافیا، ۲۰۱۵: ص ۱۶۳)

چالش‌ها و موانع پیش‌روی اتحاد سه‌گانه

با وجود هم‌گرایی بی‌سابقه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی، این اتحاد با «دست‌اندازهای استراتژیک» روبروست که می‌تواند سرعت گذار به نظم نوین را تحت تأثیر قرار دهد:

۱. ناهمگونی در روابط با غرب:

یکی از چالش‌های اصلی، تفاوت در میزان وابستگی به ساختارهای غربی است. در حالی که ایران و روسیه تحت شدیدترین تحریم‌های تاریخ قرار دارند، چین هنوز پیوندهای عمیق اقتصادی با بازارهای آمریکا و اروپا دارد. چین همواره سعی دارد میان «حمایت از متحدان شرقی» و «جلوگیری از قطع کامل روابط با غرب» نوعی توازن ظریف ایجاد کند. این تفاوت در «آستانه تحمل»، ممکن است در بزنگاه‌های تاریخی باعث کنندی در تصمیم‌گیری‌های جمعی شود.^{۳۵}

۲. رقابت‌های ژئوپلیتیک پنهان:

اگرچه این سه ستون در برابر آمریکا متحد هستند، اما در برخی مناطق منافع آن‌ها ممکن است اصطکاک پیدا کند. طبق تحلیل وب‌سایت «دیپلمات»^{۳۶}، نفوذ همزمان روسیه و چین در آسیای مرکزی و یا رقابت بر سر سهم بازار انرژی، از جمله موانعی است که نیاز به مدیریت مداوم دارد. ولی کوزه‌گر کالجی در کتاب خود (۱۳۹۹) تأکید می‌کند که مدیریت این رقابت‌ها در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، آزمونی بزرگ برای پایداری این اتحاد است.^{۳۷}

۳. فشارهای ناشی از تحریم‌های ثانویه:

اگرچه «دلارزدایی» کلید خورده است، اما سیستم مالی جهانی هنوز به شدت تحت تأثیر واشینگتن است. وب‌سایت تحلیلی «بلومبرگ»^{۳۸} در گزارشی اشاره کرده است که برخی بانک‌های چینی و روسی برای جلوگیری از جریمه‌های آمریکا، در تعامل با شرکت‌های ایرانی احتیاط به خرج می‌دهند. این «ترس از هزینه‌ی همراهی»، یکی از موانع کلیدی در سرعت گرفتن پروژه‌های مشترک اقتصادی است.^{۳۹}

۴. چالش‌های ساختاری: اتحاد از سر ضرورت، نه وحدت استراتژیک

علاوه بر موانع خارجی، این مثلث قدرت با چالش‌های درونی عمیقی روبروست که ماهیت این پیوند را تحت تأثیر قرار می‌دهد:

۴.۴.۱ اتحاد از سر اجبار^{۴۰}:

باید توجه داشت که پیوند میان تهران، مسکو و پکن بیش از آنکه ناشی از یک «وحدت قلبی» یا

^{۳۵} علی اسمعیلی «رقابت چین و آمریکا در خاورمیانه در قرن بیست و یکم» (انتشارات چاپخش، ۱۴۰۰) صص ۲۸۴-۲۹۱

^{۳۶} The Diplomat

^{۳۷} The New Reality of Energy Geopolitics in Eurasia - The Diplomat

^{۳۸} Bloomberg

^{۳۹} Why the US Can't Stop Iran's Lucrative Oil Trade With China - Bloomberg

^{۴۰} Pragmatic Alliance

ایدئولوژیک» باشد، حاصل یک «اجبار ساختاری» برای مقابله با تهدید مشترک (آمریکا) است. طبق نظریه «موازنه قوای» رئالیستی، این کشورها در حال حاضر در یک جبهه هستند، اما همان‌طور که در کتاب «روابط روسیه و چین» (نشر وزارت امور خارجه) اشاره شده، در فضای «پسا-هژمونی آمریکا»، پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به رقبای منطقه‌ای دارند. هر یک از این سه قدرت، سودای رهبری و هژمونی خاص خود را در نظم نوین دارند و این موضوع می‌تواند در آینده منجر به اصطکاک‌های جدی بر سر تقسیم مناطق نفوذ در اوراسیا و خاورمیانه شود.

۴.۴.۲ عدم تقارن در مؤلفه‌های قدرت^{۴۱}:

یکی دیگر از چالش‌های جدی، عدم توازن در وزن اقتصادی و نظامی اعضا است. وب‌سایت تحلیلی «فارن پالیسی»^{۴۲} در مقاله‌ای اشاره می‌کند که این اتحاد با یک «ناهمگونی ساختاری» روبروست؛ به طوری که ثقل اقتصادی به طور مطلق در دست چین است، در حالی که ثقل نظامی و اتمی (در سطح جهانی) همچنان در اختیار روسیه است. ایران نیز در این میان، قدرت ژئوپلیتیک و منطقه‌ای خود را به میدان آورده است. این وابستگی‌های متقاطع، اگرچه فعلاً باعث همکاری شده، اما می‌تواند در بلندمدت منجر به نوعی «سلسله مراتب قدرت» شود که در آن اعضای کوچک‌تر (از نظر اقتصادی یا نظامی) نگران از دست دادن استقلال عمل خود در برابر عضو قدرتمندتر (مثلاً چین) باشند^{۴۳}. همان‌طور که علی اسمعیلی (۱۴۰۰) اشاره می‌کند، بیم تبدیل شدن به «شریک کوچک‌تر»^{۴۴} همواره در سایه این تعاملات وجود دارد.

۵. عدم تقارن اقتصادی و احتیاط چینی:

چین بزرگ‌ترین شریک تجاری ایالات متحده و اروپاست. بنابراین، پکن همواره در حال نوعی «بندبازی استراتژیک» است. چالش اصلی اینجاست که چین نمی‌خواهد به خاطر حمایت کامل از ایران یا روسیه، دسترسی خود به بازارهای غرب و تکنولوژی‌های حساس را به خطر بیندازد. این موضوع گاهی باعث می‌شود که در پروژه‌های سرمایه‌گذاری (مثل قرارداد ۲۵ ساله با ایران)، چین با احتیاط و کندی عمل کند که این خود یک نقطه تنش احتمالی است.

۶. رقابت در بازارهای انرژی:

روسیه و ایران هر دو از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان هستند. پس از جنگ اوکراین و تحریم روسیه، مسکو بازارهای اروپایی خود را از دست داد و به سمت بازارهای آسیایی (به‌ویژه چین و هند) متمایل شد. این امر باعث ایجاد یک رقابت ناخواسته میان ایران و روسیه بر سر سهم بازار و ارائه تخفیف‌های قیمتی شده است. مدیریت این رقابت برای تداوم اتحاد، حیاتی است.

⁴¹ Asymmetric Power

⁴² Foreign Policy

⁴³ China, Russia, and Iran Are Building a Strategic Alliance - Foreign Policy

⁴⁴ Junior Partner

۷. تفاوت در مدل‌های امنیتی:

روسیه و ایران نگاهی «سخت‌افزاری» و نظامی به امنیت دارند، در حالی که چین ترجیح می‌دهد از طریق «قدرت نرم» و نفوذ اقتصادی^{۴۵} اهداف خود را پیش ببرد. هماهنگ کردن این دو رویکرد در بحران‌های منطقه‌ای، یکی از پیچیدگی‌های این مثلث قدرت است.

۵: افق پیش‌رو

در پایان این واکاوی، آینده نظم جهانی در گروهی موفقیت یا شکست این «مثلث قدرت» است. برای درک بهتر، دو سناریوی محتمل را با هم بررسی می‌کنیم:

۵.۱. سناریوی اول: تثبیت اتحاد و تولد نظم چندقطبی

اگر این سه ستون (ایران، روسیه و چین) بتوانند بر چالش‌های درونی خود غلبه کرده و این اتحاد را تثبیت کنند، جهان با دگرگونی‌های زیر روبرو خواهد شد:

- در خاورمیانه و اوکراین: تثبیت این اتحاد به معنای پایان قطعی عصر دخالت‌های یک‌جانبه غرب است. طبق تحلیل «نورالدین اکبری» (۱۴۰۱)، ایران به عنوان هژمون منطقه‌ای تثبیت شده و روسیه در بحران اوکراین به یک پیروزی استراتژیک دست می‌یابد که مرزهای ناتو را به عقب می‌راند.

- تأثیر بر هند و قدرت‌های نوظهور: وب‌سایت تحلیلی «دیپلمات» معتقد است که موفقیت این اتحاد، کشورهایی مثل هند را مجبور به بازنگری در روابط خود با غرب می‌کند تا از قطار نظم جدید اوراسیایی عقب نمانند.^{۴۶}

- در اروپا و آمریکا: اروپا با یک بحران هویتی روبرو شده و مجبور خواهد شد بین «تبعیت از واشینگتن» و «تعامل با قطب جدید قدرت در شرق» یکی را انتخاب کند. آمریکا نیز با از دست دادن قدرت تحریم (به دلیل دلارزدایی)، نفوذ خود را بر نیمی از اقتصاد جهان از دست خواهد داد.

۵.۲. سناریوی دوم: شکست اتحاد و تداوم هژمونی آمریکا (وضعیت موجود)

اگر این اتحاد به دلیل تضاد منافع داخلی (که در بخش چالش‌ها گفتیم) یا فشارهای سنگین غرب فرو پاشد، پیامدهای زیر محتمل است:

- تثبیت نظم تک‌قطبی: واشینگتن با استفاده از ابزار تحریم‌های ثانویه، فشار بر ایران و روسیه را دوچندان کرده و چین را در یک محاصره اقتصادی-نظامی در شرق آسیا منزوی می‌کند. علی اسمعیلی در کتاب «رقابت چین و آمریکا» (۱۴۰۰) هشدار می‌دهد که شکست این هم‌گرایی، به معنای بازگشت به دوران «قواعد تحمیلی غرب» است که در آن حاکمیت ملی کشورهای در حال توسعه به شدت تضعیف می‌شود.

- بی‌ثباتی در اوراسیا: فروپاشی این همکاری می‌تواند منجر به رقابت‌های مخرب میان خود این سه کشور در مناطقی مثل خلیج فارس و آسیای مرکزی شود که نتیجه‌ی آن، ناامنی پایدار در قلب جهان خواهد بود.^{۴۷}

⁴⁵ Geoeconomics

⁴⁶ Russian and Chinese Competition for Central Asia's Energy - The Diplomat Analysis

نتیجه‌گیری نهایی

واقعیت این است که جهان دیگر به دوران سال‌های پس از جنگ سرد باز نمی‌گردد. همان‌طور که در کتاب «ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی» (۱۳۹۹) تأکید شده، حتی اگر این اتحاد به یک «پیمان نظامی رسمی» تبدیل نشود، نفس همکاری‌های فعلی، ساختار قدرت جهانی را از حالت عمودی (دستور از واشینگتن) به حالت افقی (توزیع قدرت میان قطب‌ها) تغییر داده است. ایران، روسیه و چین نه به عنوان یک بلوک واحد و بی‌نقص، بلکه به عنوان سه ضلع یک «ضرورت تاریخی»، در حال تدفین نظم قدیمی و مامایی برای تولد جهانی هستند که در آن «شرق» دیگر یک جغرافیا نیست، بلکه یک قطب تعیین‌کننده است.

منابع و مراجع

- ۱) زکریا، فرید (۱۳۹۴). جهان پسا-آمریکایی. ترجمه عباس مخبر. تهران: انتشارات طرح نو. (این منبع برای بحث افول هژمونی آمریکا حیاتی است).
- ۲) اسمعیلی، علی (۱۴۰۰). رقابت استراتژیک چین و آمریکا در قرن بیست و یکم: پیامدها برای نظم جهانی. تهران: نشر قومس.
- ۳) اکبری، نورالدین (۱۴۰۱). گذار به نظم نوین جهانی و جایگاه قدرت‌های نوظهور در هندسه قدرت. تهران: انتشارات راهبردی.
- ۴) کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۹). ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی: فرصت‌ها و چالش‌های هم‌گرایی در اوراسیا. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۵) مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۴۰۲). تحلیل اثرات الحاق ایران به بریکس بر جریان تجاری با بلوک شرق. گزارش راهبردی.
- ۶) فصلنامه مطالعات راهبردی (۱۴۰۲). «واکاوی ائتلاف نانوشته تهران-مسکو-پکن در برابر ناتو». دوره ۲۶، شماره ۳.
- 7) Zakaria, F. (2011). *The Post-American World: Release 2.0*. W. W. Norton & Company.
- 8) Allison, G. (2017). *Destined for War: Can America and China Escape Thucydides's Trap?*. New York: Houghton Mifflin Harcourt.
- 9) Bloomberg Economics (2024). "Mapping the New Trade Routes: The Russia-Iran-China Nexus". Special Strategic Report
- 10) Foreign Affairs (2023). "The Alt-Globalization: How the East is Rewriting World Order". Council on Foreign Relations.
- 11) Kupchan, C. A. (2020). *No One's World: The West, the Rising Rest, and the Coming Global Turn*. Oxford University Press.
- 12) The Diplomat (2023). "Central Asia: The New Battleground for Influence between Beijing and Moscow". [Online Analysis].
- 13) Mearsheimer, J. J. (2018). *The Great Delusion: Liberal Dreams and International Realities*. Yale University Press
- ۱۴) شورای راهبردی روابط خارجی (SCFR) - (مرجع اصلی سیاست‌گذاری خارجی ایران): <https://www.scfr.ir>
- ۱۵) مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس - IRAS) - (تخصصی‌ترین مرکز در حوزه روسیه و آسیای مرکزی): <http://www.iras.ir>
- ۱۶) مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (CSS) - (برای دسترسی به گزارش‌های راهبردی میان‌مدت): <https://www.css.ir>
- ۱۷) پایگاه خبری-تحلیلی الوقت (Al-Waqt) - (تحلیل‌های منطقه‌ای خاورمیانه و مقاومت): <http://alwaght.net>
- ۱۸) پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز - Noormags) - (بزرگترین آرشیو مقالات آکادمیک فارسی): <https://www.noormags.ir>
- ۱۹) پایگاه جامع علوم انسانی (Ensani) - (دسترسی به متن کامل مقالات علمی-پژوهشی): <http://ensani.ir>
- ۲۰) فصلنامه مطالعات راهبردی (Strategic Studies Quarterly) - (معتبرترین ژورنال علمی در حوزه امنیت ملی): <http://quarterly.risp.ir>

- ۲۱) بلومبرگ (Bloomberg) - (بهترین منبع برای تحلیل‌های «دلارزدایی» و داده‌های اقتصادی):
<https://www.bloomberg.com>
- ۲۲) فارین پالیسی (Foreign Policy) - (مرجع اصلی تحلیل‌های استراتژیک از نگاه غرب):
<https://foreignpolicy.com>
- ۲۳) دیپلمات (The Diplomat) - (تخصص در حوزه ژئوپولیتیک شرق آسیا و نقش چین):
<https://thediplomat.com>
- ۲۴) شورای روابط خارجی (CFR) - (یکی از تأثیرگذارترین اندیشکده‌های جهان در نیویورک)
- ۲۵) احمدی، حمید (۱۴۰۱). سیاست خارجی ایران در دوران گذار: چالش‌ها و فرصت‌های بلوک‌بندی‌های نوین. تهران: نشر نی.
- ۲۶) اسمعیلی، علی (۱۴۰۲). رقابت چین و آمریکا در خاورمیانه در قرن بیست و یکم. تهران: انتشارات چاپخش.
- ۲۷) برژینسکی، زبینگنیو (۱۳۹۸). صفحه شطرنج بزرگ: اولویت‌های استراتژیک آمریکا در اوراسیا. ترجمه عبدالرضا غفوری. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲۸) سجادی‌پور، سید محمدکاظم و وحیدی، موسی‌الرضا (۱۴۰۰). دیپلماسی در دنیای در حال تغییر: قدرت‌های نوظهور و نظم بین‌الملل. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۹) ظریف، محمدجواد (۱۳۹۹). دوران گذار در روابط بین‌الملل در جهان پساغربی. تهران: انتشارات دانشکده روابط بین‌الملل.
- ۳۰) کریشبرگر، زارا و همکاران (۱۴۰۱). روابط روسیه و چین: اتحاد در حال ظهور یا رقبای ابدی؟. ترجمه حمیدرضا ارشدی. تهران: اداره چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۳۱) کسینجر، هنری (۱۳۹۴). نظم جهانی: تأملی در ویژگی ملت‌ها و جریان تاریخ. ترجمه محمدتقی سالک. تهران: نشر مروارید.
- ۳۲) مشیرزاده، حمیرا (۱۴۰۲). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.
- 33) Brzezinski, Z. (1997). *The Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostrategic Imperatives*. Basic Books.
- 34) Dugin, A. (2014). *Last War of the World-Island: The Geopolitics of Contemporary Russia*. Arktos Media.
- 35) Ikenberry, G. J. (2020). *A World Safe for Democracy: Liberal Internationalism and the Crises of Global Order*. Yale University Press.
- 36) Kaplan, R. D. (2012). *The Revenge of Geography: What the Map Tells Us About Coming Conflicts*. Random House.
- 37) Mahhubani, K. (2020). *Has China Won? The Chinese Challenge to American Primacy*. PublicAffairs Publishing.
- 38) Marshall, T. (2015). *Prisoners of Geography: Ten Maps That Explain Everything About the World*. Elliott & Thompson.
- 39) Mearsheimer, J. J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. W. W. Norton & Company.
- 40) Stuenkel, O. (2016). *Post-Western World: How Emerging Powers Are Remaking Global Order*. Polity Press.
- 41) Zeihan, P. (2022). *The End of the World Is Just the Beginning: Mapping the Collapse of Globalization*. Harper Business.